

معنی کلمات درس پنجم عربی یازدهم انسانی

طَنَّنَه: بانگ (بانگ آرام نیایش)	تَخَلَّصَ: رها شد (مضارع: يَتَخَلَّصُ)	أَخَذَ: شروع کرد، «أَخَذَ يُنَادِي: شروع کرد به صدا زدن»
عَادَ: بازگشت (مضارع: يَعُودُ) = رَجَعَ	تَظَاهَرَ بِ: به ... وانمود کرد (مضارع: يَتَظَاهَرُ)	اِسْتَطَاعَ: توانست (مضارع: يَسْتَطِيعُ)
قَلَّتْهُ اللِّسَانُ: لغزش زبان از نیندیشیدن «جمع: قَلَّتْ»	حَدَّثَ: سخن گفت (مضارع: يُحَدِّثُ) = كَلَّمَ، تَكَلَّمَ	أَسْرَعَ: شتافت (مضارع: يُسْرِعُ) = عَجَلَ
كَادَ يَغْرُقُ: نزدیک بود غرق بشود	حَكَى: حکایت کرد (مضارع: يَحْكِي)	أَصْلَحَ: درست گرداند (مضارع: يُصْلِحُ) ≠ أَفْسَدَ
كَبُرَ: بزرگ شد (مضارع: يَكْبُرُ) «كَبُرَتْ خِيَانَتُهُ: خیانت بزرگی است!» «كَبُرَ ≠ صَغُرَ»	سَبَّحَ: ثنا کرد (مضارع: يَسْبُحُ سَبَّحَ: ثنا کرد (مضارع: يَسْبُحُ)	أَضْمَرَ: پنهان کرد (مضارع: يُضْمِرُ) = أَخْفَى ≠ أَظْهَرَ
كَرَّرَ: تکرار کرد (مضارع: يُكْرِّرُ)	صَاحِبَ: دوست «جمع: أصحاب» = صَدِيق ≠ عَدُوٌّ	الْتَزَمَ: پایبندی (الْتَزَمَ، يَلْتَزِمُ)
كُلَّمَا: هرگاه	صَفَحَهُ: یک روی چیزی «صَفَحَاتُ الْوَجْهِ: همه جای چهره»	الْتَفَتَ: توجّه کرد (مضارع: يَلْتَفِتُ) «لَمْ يَلْتَفِتُوا: توجّه نکردند»
نَجَّدَهُ: کمک = مُسَاعَدَهُ، نَصَرَ		أَنْكَرَ: دروغ دانست، انکار کرد (مضارع: يُنْكِرُ)

جواب درست نادرست صفحه ۶۸ عربی یازدهم انسانی

□ عَيْنَ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (ص / غ)

با توجه به متن درس درست و نادرست را مشخص کنید.

۱- حَاوَلَ الرَّجُلُ الْكَثِيرُ الْمَعَاصِيَ أَنْ يُصْلِحَ نَفْسَهُ، فَلَمْ يَسْتَطِعْ فِي الْبِدَايَةِ ✓. درست
معنی: مرد بسیار گناهکار تلاش کرد که خودش را اصلاح کند ولی در آغاز نتوانست.

۲- طَلَبَ الرَّجُلُ الْفَاضِلُ مِنَ الرَّجُلِ الْكَثِيرِ الْمَعَاصِي أَنْ يَلْتَزِمَ بِكُلِّ الْحَسَنَاتِ ❌. نادرست
معنی: مرد دانشمند از مرد بسیار گناهکار خواست که به همه نیکی‌ها پایبند باشد.

۳- اِمْتَنَعَ الرَّجُلُ الْكَثِيرُ الْمَعَاصِي عَنِ الذُّنُوبِ لِوَفَائِهِ بِالْعَهْدِ ✅. درست
معنی: مرد بسیار گناهکار به خاطر وفای به عهدش از گناهان خودداری کرد.

۴- كَادَ الشَّابُّ الْكَذَّابُ يَغْرُقُ عِنْدَمَا كَذَبَ لِلْمَرَّةِ الثَّالِثَةِ ❌. نادرست
معنی: جوان بسیار دروغگو نزدیک بود غرق شود هنگامی که برای بار دوم دروغ گفت.

۵- يَظْهَرُ الْكَذِبُ فِي فَلَاتِ الْلسَانِ وَ صَفَحَاتِ الْوَجْهِ ✅. درست
معنی: دروغ در لغزش‌های زبان و همه جای چهره آشکار می‌شود.

جواب صفحه ۷۱ درس پنجم عربی یازدهم انسانی

❑ اخْتَبِرْ نَفْسَكَ

ا: تَرْجِمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ؛ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.
این عبارت را طبق قواعد درس ترجمه کنید؛ سپس نوع افعال را مشخص کنید.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ^{مضارع منفی} وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ^{مضارع منفی} وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ^{مضارع منفی} وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ^{مضارع منفی مجهول} وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ^{مضارع منفی مجهول} (مِنْ تَعْقِيَاتِ صَلَاةِ الْعَصْرِ)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ مِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (مِنْ تَعْقِيَاتِ صَلَاةِ الْعَصْرِ)

معنی: خدایاندا! همانا من به تو پناه می‌برم از نفسی که سیر نمی‌شود و از قلبی که فروتنی نمی‌کند و علمی که سود نمی‌رساند و نمازی که بالا برده نمی‌شود و دعایی که شنیده نمی‌شود.

أَعُوذُ: فعل مضارع

لَا تَشْبَعُ: فعل مضارع منفی

لَا يَخْشَعُ: فعل مضارع منفی

لَا يَنْفَعُ: فعل مضارع منفی

لَا تَرْفَعُ: فعل مضارع منفی و مجهول

لَا يُسْمَعُ: فعل مضارع منفی و مجهول

ب: مَيِّزِ الْأَفْعَالَ الْمُتَعَدِّيَةَ مِنْ: يَهْدِي / كَفَرُوا / قَرَأْتُ / جَلَسْنَا

معنی: افعال متعدی را از:

يَهْدِي: هدایت می‌کند. متعدی

كَفَرُوا: کافر شدند. لازم

قَرَأْتُ: خواندم: متعدی

جَلَسْنَا: نشستیم: لازم

معنی حواری صفحه ۷۲ عربی یازدهم انسانی

■ حواری

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

(شِرَاءُ شَرِيحَةِ الْهَاتِفِ الْجَوَالِ)

معنی: خرید سیم کارت موبایل

مُوظَّفُ الْإِتِّصَالَاتِ معنی: کارمند مخابرات	الزَّائِرَةُ معنی: زائر زن
تَفَضَّلِي، وَ هَلْ تُرِيدِينَ بِطَاقَةِ الشَّحْنِ؟ معنی: بفرما، و آیا کارت شارژ را می‌خواهی؟	رَجَاءُ، أُعْطِنِي شَرِيحَةَ الْجَوَالِ. معنی: لطفاً سیم کارت تلفن همراه به من بده.
تَسْتَطِيعِينَ أَنْ تَشْحَنِي رَصِيدَ جَوَالِكِ عِبْرَ الْإِنْتَرْنِتِ. معنی: می‌توانی که موجودی شارژ موبایلت را از طریق اینترنت شارژ کنی.	نَعَمْ؛ مِنْ فَضْلِكَ أُعْطِنِي بِطَاقَةً بِمَبْلَغِ خَمْسَةِ وَ عَشْرِينَ رِيَالاً. معنی: بله؛ لطفاً یک کارت به مبلغ ۲۵ ریال به من بده.
الزَّائِرَةُ تُرِيدُ أَنْ تَتَّصِلَ لَكِنْ لَا يَعْمَلُ الشَّحْنُ، فَتَذْهَبُ عِنْدَ مُوظَّفِ الْإِتِّصَالَاتِ وَ تَقُولُ لَهُ: معنی: زائر می‌خواهد که تماس بگیرد اما شارژ کار (عمل) نمی‌کند پس پیش کارمند مخابرات می‌رود و به او می‌گوید:	
أُعْطِنِي الْبُطَاقَةَ مِنْ فَضْلِكَ. سَامِحِينِي؛ أَنْتِ عَلَى الْحَقِّ. أَبَدِّلْ لِي الْبُطَاقَةَ. معنی: لطفاً کارت را به من بده. مرا ببخش؛ حق با شماست. کارت را برای شما عوض می‌کنم.	عَفْوَاً، فِي بِطَاقَةِ الشَّحْنِ إِشْكَالٌ. معنی: ببخشید، در کارت شارژ اشکالی هست؟

جواب تمرین صفحه ۷۳ درس ۵ عربی یازدهم انسانی

◆ تمرین یک_ الاول

■ أَوُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

کدام کلمه از فرهنگ لغت درس با توضیحات زیر مطابقت دارد؟

۱- مَا كَانَ يَعْرِفُ السَّبَّاحَةَ، فَصَرَخَ النَّجْدَةُ، النَّجْدَةُ:

معنی: شنا کردن نمی‌دانست پس فریاد زد: کمک، کمک.

پاسخ: كَاذٌ يَغْرِقُ

۲- أَخْفَى شَيْئاً، وَ جَعَلَهُ بَعِيداً عَنِ الْأَنْظَارِ:

معنی: چیزی را مخفی کرد و آن را از دیدگان دور قرار داد (دور کرد).
پاسخ: أَضْمَرَ

۳- حَسِبَهُ كَذِباً، وَ مَا قَبْلَهُ:

معنی: آن را دروغ پنداشت و آن را نپذیرفت.
پاسخ: أَنْكَرَ

۴- عَمِلَ عَمَلًا عِدَّةَ مَرَّاتٍ:

معنی: کاری را چند بار انجام داد.
پاسخ: كَرَّرَ

۵- أَصْبَحَ كَبِيرًا:

معنی: بزرگ شد.
پاسخ: كَبُرَ

♦ تمرین دوم_ الثانی

■ تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

این احادیث را ترجمه کنید، سپس مشخص کنید چه چیزی از شما خواسته شده است.

۱- أَلْعَلُّمَ نَوْرٍ وَ ضِيَاءٍ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِهِ

معنی: دانش، نور و روشنایی است که خداوند آن را در دل‌های اولیانش می‌اندازد.
الْمُبْتَدَأُ: أَلْعَلُّمَ
الْفَاعِلُ: اللَّهُ

۲- لَا تَغْتَرَّوْا بِصَلَاتِهِمْ وَ لَا بِصِيَامِهِمْ ... وَلَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ.

معنی: با نماز و روزه‌شان فریب نخورید اما آنها را هنگام راستگویی و امانتداری بیازمایید.
فَعَلَ الْأَمْرَ: اخْتَبِرُو
فَعَلَ النَّهْيَ: لَا تَغْتَرَّوْا

۳- لَا تَسْتَشِيرِ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعِدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ.

معنی: با بسیار دروغگو مشورت نکن، زیرا او مانند سراب است، دور را بر تو نزدیک می‌سازد و نزدیک را بر تو دور می‌سازد.
إِسْمُ الْمُبَالَغَةِ: الْكَذَّابُ

۴- يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِاخْتِيَالِهِ.

معنی: راستگو با راستگویی خود به آن چیزی می‌رسد که دروغگو با فریبکاریش به آن نمی‌رسد.
الْفَاعِلُ: الصَّادِقُ / الْكَاذِبُ

۵- لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ.

معنی: با همه‌ی آنچه که شنیدیش با مردم سخن نگو (هر چه را که شنیدی‌اش با مردم در میان نگذار).
فَعَلَ النَّهْيَ: لَا تُحَدِّثِ

جواب تمرین صفحه ۷۴ درس ۵ عربی یازدهم انسانی

♦ تمرین سوم _ الثالث

□ عَيْنَ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

کلمه متفاوت را در هر گروه مشخص کنید و دلیل آن را توضیح دهید.

۱ - الْفُنُونُ □ - الْخَذَ □ - الْقَمَ □ - اللِّسَان □

هنرها - گونه - دهان - زبان

۲ - الْقَشْر □ - اللَّبَب □ - النَّوَى □ - الْغَاز □

پوست - مغز - هسته - گاز

۳ - الثَّغْلَب □ - الْكَلْب □ - الْمَرْح □ - الْحِمَار □

روباہ - سگ - تکبر و خودپسندی - الاغ

۴ - الْيَمِين □ - الطَّنَان □ - الشِّمَال □ - الْأَمَام □

راست - مرغ مگس - چپ - روبرو، جلو

۵ - الصَّلَاة □ - الشَّرِيحَة □ - الرِّصِيد □ - الْجَوَال □

نماز - سیم کارت - شارژ - تلفن همراه

۶ - الْأَحْبَة □ - الْأَصْدِقَاء □ - الْأَصْحَاب □ - الْإِضَاعَة □

دوستان - دوستان - یاران - تباه کردن

جواب تمرین صفحه ۷۵ درس ۵ عربی یازدهم انسانی

♦ تمرین چهارم _ الرابع

□ أ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

جملات زیر را ترجمه کنید، سپس مشخص کنید چه چیزی از شما خواسته می شود.

۱ - سَافَرْتُ إِلَى قَرْيَةٍ شَاهَدْتُ صُورَتَهَا أَيَّامَ صِغَرِي.

معنی: به روستایی مسافرت کردم که عکسش (تصویرش) را در ایام کودکی ام (روزگار بچگی ام) دیده بودم.

الْمَجْرُورُ بِحَرْفِ جَرٍّ: قَرْيَةٍ

الْمَفْعُولُ: صُورَة

۲ - عَصَفَتْ رِيَا حٌ شَدِيدَةً خَرَبَتْ بَيْتًا جَنْبَ شَاطِئِ الْبَحْرِ.

معنی: باد شدیدی وزید که یک خانه را در کنار ساحل دریا ویران کرد.

الْمَفْعُولُ: بَيْتًا

الْمُضَافُ إِلَيْهِ: شَاطِئِ الْبَحْرِ

۳ - وَجَدْتُ بَرْنَامَجًا يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ.

معنی: برنامه ای را پیدا کردم که مرا در یادگیری عربی کمک می کرد.

الْمَفْعُولُ: بَرْنَامَجًا

الْمُضَافُ إِلَيْهِ: الْعَرَبِيَّةِ

۴- اَلْكِتَابُ صَدِيقٌ يُنْقِذُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ.

معنی: کتاب دوستی است که تو را از گرفتاری جهل و نادانی نجات می‌دهد.

اَلْمُبْتَدَأُ: اَلْكِتَابُ

اَلْخَبَرُ: صَدِيقٌ

۵- يُعْجِبُنِي عَيْدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ.

معنی: از عیدی خوشم می‌آید (عیدی مرا شگفت زده می‌کند) که در آن نیازمندان خوشحالی میکنند.

اَلْجَمْعُ اَلْمُكْسَرُ: الْفُقَرَاءُ مفرد آن فقیر

نَوْنُ الْوَقَايَةِ: يُعْجِبُنِي، يُعْجِبُ (فعل) + ن (وقایه) + ی (مفعول)

ب: عَيْنِ الْفَتْحِ عَلَى الْمُتَعَدَّى مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ الَّتِي جَاءَتْ فِي الْجُمْلِ السَّابِقَةِ:

فعل متعدی را از این افعالی که در جملات قبلی آمده است مشخص کنید:

سَافَرْتُ / شَاهَدْتُ / عَصَفْتُ / خَرَبْتُ

سَافَرْتُ: ممسافرت کردم: لازم

شَاهَدْتُ: مشاهده کردم: متعدی

عَصَفْتُ: وزید: لازم

خَرَبْتُ: ویران کرد: متعدی

جواب بحث علمی صفحه ۷۶ عربی یازدهم انسانی

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اُكْتُبْ خَمْسَ عِبَارَاتٍ بِالْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ آدَابِ الْكَلَامِ.

پنج عبارت به زبان عربی در مورد آداب گفتار بنویسید.

۱- اَلْكَلَامُ يَجْرُ الْكَلَامُ.

معنی: حرف حرف می‌آورد:

۲- خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ:

معنی: بهترین سخن آن است که کم باشد و راهنما باشد.

۳- سَكَوْتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ:

معنی: خاموشی زبان سلامتی انسان است.

۴- الْكَلَامُ مِثْلُ الدَّوَاءِ، قَلِيلُهُ يَنْقَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ:

معنی: سخن مثل دارو است اندکش سود می‌رساند و زیادش کشنده است.

۵- مَنْ عَذَّبَ لِسَانَهُ كَثُرَ إِخْوَانُهُ:

معنی: هر که زبانش خوش و شیرین باشد دوستانش زیاد می‌شود.

۶- إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ:

معنی: هرگاه عقل کامل شود سخن کم می‌گردد.

۷- السَّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ:

معنی: سکوت طلاست و سخن گفتن نقره است.

۸- رَبِّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ:

معنی: چه بسا کلامی (در برندگی) مانند شمشیر است.

۹- أَكْثَرُ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ:

معنی: بیشتر اشتباهات فرزند آدم در زبانش است.